



www.zabanebartar.com

Everyday English conversations

Early in the morning

Dad: Good morning.

صبح بخیر.

Mom and daughter: Good morning.

صبح بخیر.

Dad: What a lovely day.

چه روز دوست داشتنی.

Mom: Yes, it is. The sun is shining bright and the weather is fantastic.

آره، روز دوست داشتنی ایه. خورشید داره می درخشه و هوا فوق العاده س.

Dad: Isn't it hot out?

خیلی گرم نیست بیرون؟

Mom: No, it's cool. I prepared a big breakfast. Let's go to the kitchen.

نه خنکه. صبحانه ی مفصلی آماده کردم. بریم به آشپزخونه.



www.zabanebartar.com

Daughter: Hooray! I love breakfast.

هورا! من عاشق صبحونه م.

(at the breakfast table)

سر میز صبحانه

Dad: OK. What do we have for breakfast?

اکی. چی داریم واسه صبحانه؟

Mom: Thank God we have everything. There's bread and cheese. There's butter and honey. There's also jam and chocolate cream.

خدارو شکر همه چیز داریم. نون و پنیر هست. کره و عسل هست. مربا و خامه شکلاتی هم هست.

Daughter: I love chocolate cream.

من عاشق خامه شکلاتی ام.

Dad: And I love butter and jam. Now baby girl, tell me, do you like school?

و من عاشق کره و مربام. حالا بگو ببینم دختر کوچولو، مدرسه رو دوست داری؟

Daughter: Yeeeeesss, I like it very much. I like my teacher. She is very nice.



www.zabanebartar.com

آرررررهههه. خیلی دوستش دارم. معلم رو هم دوست دارم. خیلی خوبه.

Dad: Good. How many friends did you make?

خوبه. چندتا دوست پیدا کردی؟

Daughter: I made a lot of friends. We play with each other in the yard. It's so fun going to school.

خیلی دوست پیدا کردم. ما با هم تو حیاط بازی می کنیم. مدرسه رفتن خیلی خوب و سرگرم کننده س.

Dad: I'm happy you like it dear. Oh, no. I'm late. I have to go.

خوشحالم که دوستش داری عزیزم. اه، نه. دیرم شد. باید برم.

Mom: Take care dear.

مراقب خودت باش عزیزم.

Daughter: Goodbye daddy.

خداحافظ بابایی.

Dad: Goodbye.



www.zabanebartar.com

خدا حافظ.

In the office

در اداره

Dad: Hello. Good morning everyone.

سلام. صبح همگی بخیر.

Co-workers: Good morning. The manager wants to talk to you.

صبح بخیر. مدیر میخواد باهات صحبت کنه.

Dad: What's the problem?

مشکل چیه؟

Co-worker: I have no idea.

هیچ نظری ندارم.

In the manager's office

در دفتر مدیر

Dad: Good morning Mr. James. You wanted to see me.



www.zabanebartar.com

صبح بخیر آقای جیمز. میخواستید منو ببینید؟

Manager: Good morning Mr. Jones. Have a seat. You have been working in this office for several years and we are very pleased with you. That's why we decided to give you a big raise in your salary. Your income will be doubled from now on. Congratulations.

صبح بخیر آقای جونز. بفرمایید بنشینید. شما سال هاست که در این اداره کار می کنید و ما بسیار از شما راضی هستیم. و به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم که یک اضافه حقوق بزرگ به شما بدهیم. از الان به بعد دریافتی شما دو برابر خواهد شد. تبریک میگم.

Dad: Wow, I'm so grateful. Thank you very much. That was a perfect news. I'm so pleased to work with you, too. Have a nice day.

من بسیار ممنون دارم. خیلی خیلی متشکرم. خبر فوق العاده ای بود. من هم از کار کردن با شما بسیار خشنودم. روز خوبی داشته باشید.

Manager: you too.

شما هم همینطور.



www.zabanebartar.com

Lunch time in the canteen

وقت نهار در غذاخوری

Dad: Thank God today we have chicken. I'm very hungry and I love chicken.

خدا رو شکر امروز مرغ داریم. خیلی گشنمه و عاشق مرغم.

Co-worker: seriously? You like chicken?

جدی؟ تو مرغ دوست داری؟

Dad: yeah, don't you?

آره. تو دوست نداری؟

Co-worker: No, actually I hate it.

نه، در واقع متنفرم ازش.

Dad: what's your favorite food then?

پس غذای مورد علاقه ت چیه؟

Co-worker: My favorite food is meat. I like all kinds of meat. Especially steak. I adore it.



www.zabanebartar.com

غذای مورد علاقه ی من گوشته. همه ی انواع گوشت رو دوست دارم. مخصوصا استیک. عاشقشم.

Dad: I agree. Steak is delicious but chicken is good too.

موافقم. استیک لذیذ و لی مرغ هم خوبه.

Co-worker: whatever. Today there's no choice other than the chicken.

هرچی. امروز انتخاب دیگه ای به جز مرغ وجود نداره.

Back at home

در خانه

Dad: Hello. I'm back. No one there?

سلام. من برگشتم. کسی اونجا نیست؟

Mom: Hi. Good afternoon. I'm in the kitchen.

سلام. عصر بخیر. من در آشپزخونه م.

Dad: How was your day?

روزت چطور بود؟



www.zabanebartar.com

Mom: As usual. I went shopping and then I went to gym. After gym I took our daughter from school. Now she is sleeping.

مثل همیشه. رفتم خرید و بعدش هم رفتم باشگاه. بعد از باشگاه دخترمونو از مدرسه برداشتم. الان خوابیده.

Dad: what are you doing now?

الان داری چی کار می کنی؟

Mom: I'm preparing dinner.

دارم شام آماده می کنم.

Dad: No need. Today we want to celebrate.

نیازی نیست. امروز میخوایم جشن بگیریم.

Mom: what are we celebrating?

چی رو جشن می گیریم؟

Dad: we are celebrating the raise in my salary.

اضافه حقوقم رو جشن می گیریم.



www.zabanebartar.com

Mom: Really? You got a raise?!!

جدی؟ اضافه حقوق گرفتی؟

Dad: Yes. A big one. My salary doubled.

آره. اونم بزرگش. حقوقم دو برابر شد.

Mom: I'm so happy and I'm so proud of you baby.

خیلی خوشحالم و خیلی بهت افتخار می کنم عزیزم.

Daughter: Good afternoon.

عصر بخیر.

Dad: Good afternoon beauty. Are you ready to go out and have fun?

عصر بخیر خوشگل خانم. آماده ای بریم بیرون و خوش بگذرونیم؟

Daughter: Hooray! Where are we going?

هورااااا. کجا قراره بریم؟

Dad: what's your idea?



www.zabanebartar.com

نظر تو چیه؟

Daughter: cinema. There's a comedy film on. I like to watch it.

سینما. یک فیلم کمدی رو پرده است. من دوست دارم ببینمش.

Dad: That sounds fine. What's your opinion dear?

خوب به نظر میرسه. نظر تو چیه عزیزم؟

Mom: That's great.

عالیه.

At the cinema

در سینما

Dad: Good evening. Three tickets to Fun at the Party film, please.

شامگاه بخیر. سه تا بلیت برای فیلم خوش گذروندن در مهمونی لطفا.

Clerk: Good evening. That's nine dollars.

شامگاه بخیر. نه دلار میشه.



www.zabanebartar.com

Dad: Here you are. Sorry, when does the film start?

بفرمایید. کی فیلم شروع میشه؟

Clerk: It starts in 15 minutes.

۱۵ دقیقه ی دیگه شروع میشه.

Dad: Thank you.

ممنون

After the movie

بعد از فیلم

Daughter: It was fantastic. I loved it.

فوق العاده بود. عاشقش شدم.

Mom: Yes, I laughed my face off. It was wonderful.

آره، روده بر شدم از خنده. شگفت انگیز بود.

Dad: I'm glad you liked it. The actors acted brilliantly.

خوشحالم دوشش داشتید. بازیگرا درخشان بازی کردن.



www.zabanebartar.com

Mom: Its plot was strong too. It was a comedy film with a strong plot. That's rare.

فیلم نامه ش هم قوی بود. فیلم کمدی با فیلم نامه ی قوی. کم پیش میاد. د ف

Daughter: The main actress is my favorite actress ever. Who is yours?

بازیگر زن نقش اول مورد علاقه ی منه. مال شما کیه؟

Mom: My favorite actress is Angelina Julie. She is gorgeous.

بازیگر زن مورد علاقه ی من آنجلینا جولیه. بسیار زیباست.

Dad: she is a good actress but I like J Lo better. Now let's go to a restaurant and have a nice dinner.

بازیگر خوبیه ولی من جنیفر لوپز رو بیشتر دوست دارم. حالا بیاین بریم رستوران و یه غذای خوب بخوریم.

Daughter: Let's go to an Italian restaurant.

بیاین بریم به یک رستوران ایتالیایی.

Mom: OK honey.

باشه عسلم.



www.zabanebartar.com

In the restaurant

در رستوران

Waiter: welcome. Are you ready to order?

خوش آمدید. برای سفارش دادن آماده هستید؟

Dad: I think so. What would you like to eat?

بله فکر می کنم. چی میل دارید؟

Daughter: I'd like some spaghetti and to drink I'd like coke please.

من اسپاگتی میخوام و برای نوشیدنی نوشابه لطفا

Mom: I'd like some pasta and water please.

من پاستا می خوام و آب لطفا

Dad: Pasta sounds delicious. And water to drink please.

پاستا خوشمزه به نظر میاد و آب لطفا

Waiter: OK. Anything else?



www.zabanebartar.com

اکی. چیز دیگه ای میل دارید؟

Dad: No, thanks.

نه ممنون

Waiter: I'll bring your order right away.

الساعه سفارشتون و میارم .

Dad: Thanks a lot.

خیلی ممنون

After dinner

بعد از شام

Daughter: Daddy the food was amazing. Thank you.

بابایی غذا شگفت انگیز بود. مرسی

Mom: Yes dear. Thank you very much. It was a great night.

اره عزیزم. خیلی ممنون. شب فوق العاده ای بود.



www.zabanebartar.com

Dad: my pleasure dears. Love you two so much.

خواهش می کنم. خیلی دوستون دارم.

